

عوامل مؤثر بر گسترش شهری فسطاط تا تأسیس قاهره

محمد محمدپور^۱، فاطمه جان احمدی^۲

(دریافت مقاله: ۹۶/۰۷/۲۶ - پذیرش نهایی: ۹۷/۰۱/۱۹)

چکیده

ورود فاتحان مسلمان به مصر موجب تحولات بسیاری در این سرزمین شد. ساخت یا توسعه شهر فسطاط در همجواری باب الیون در شمال شرقی ساحل رود نیل توسط فاتحان مصر یکی از این تحولات در حوزه شهرسازی اسلامی بشمار می‌آید. صرف نظر از علل دوام و بقای این شهر، هدف مقاله پیش رو یافتن پاسخ این مسئله اساسی است که عوامل گسترش و توسعه‌ی شهری فسطاط از بدو تأسیس به سال ۲۰ تا روی کار آمدن فاطمیان (۳۵۸) چه بوده است؟ بررسی‌های تاریخی نشان داده است که موقعیت جغرافیایی ژئوپلیتیکی و همجواری با کانون شهری باب الیون در شمال شرقی مصر و رشد فزاینده‌ی نیروی انسانی به علت ورود قبایل متعدد عربی و نیروهای جهادگر مسلمان و ضرورت اسکان آنها برای تداوم عملیات نظامی در سرزمین‌های مجاور، عاملی تعیین کننده برای گسترش شهری فسطاط به حساب می‌آید. علاوه بر این لزوم تشکیل مرکزیتی دینی و سیاسی در قالب دارالاماره‌ها و مساجد و یا ساخت بازارهای پر رونق برای بهره‌گیری از سود اقتصادی را نیز باید به این عوامل افزود.

کلید واژه‌ها: مصر، فسطاط، جغرافیای تاریخی فسطاط، شهرسازی اسلامی

۱- دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس؛ Email:m.mohammadpoor@modares.ac.ir

۲- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسئول)؛ Email:f.janahmadi@modares.ac.ir

مقدمه

با توجه به موقعیت جغرافیایی سرزمین مصر و ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری مهم آن اعراب جزیره العرب که مردمی تجارت پیشه بودند از دوره جاهلیت روابط تجاری مستحکمی با مصر داشتند. بعد از ظهور اسلام و گسترش فتوح در سرزمین‌های خارج از مرزهای شبه جزیره یکی از سرزمین‌هایی که مورد توجه فاتحان مسلمان قرار گرفت، مصر و مضافات آن بود. عمرو عاص سهمی قرشی که خود تاجری زبده بود، فرماندهی سپاه فاتح مصر را بر عهده داشت. این سپاه پس از ورود به مصر در جوار دژ باب الیون (شهر قدیم مصر) رحل اقامت افکنده با افراشتن چادرهای خود در حد فاصل میان رودخانه نیل و کوه مَقَطَم در سال ۲۰ هجری، پس از فتح اسکندریه بنای شهر فسطاط را نهادند (ابن فقیه، ۱۱۷). همین اقدام علت نامیدن این شهر به فسطاط شد. گرچه در باره تاریخچه شکل‌گیری فسطاط به عنوان نخستین پایتخت اسلامی دلایل داستان گونه‌ی مختلفی در منابع آمده است (ابن عبدالحکم، ۲۹). ورود فاتحان مسلمان به این سرزمین و مواجهه آنان با تمدن رود نیل و آشنایی با ساختمان سازی، نخستین عمارت‌های ساده و کوچه‌ها و خیابانها شکل گرفت و بر تارک هر یک از کوی و برزن شهر تازه، نام قبیله ای از اعراب که در فتح مصر شرکت داشتند نهاده شد (ابن عبدالحکم، ۲۹). با توجه به این که فسطاط نخستین قرار گاه دائمی مسلمانان و دارالاماره ایشان در مصر به شمار می‌آمد، گسترش شهری آن از تاریخ بنای آن تا ورود فاطمیان به مصر به سال ۳۵۸ و بنای قاهره المعزیه ادامه داشت، زیرا ورود سپاهیان اسلام از سایر سرزمین‌های اسلامی به این شهر و ضرورت اسکان آنان برای عملیات نظامی و همچنین بنای مساجد متعدد و دارالاماره توسط والیان شهر از عصر اموی تا عصر عباسی و یا دولتهای نیمه مستقل چون دوره طولونی و اخشیدی و در کنار اینها موقعیت جغرافیایی آن به علت قرار داشتن در مجاورت رود نیل و بهره برداری از مزایای آن برای تولیدات کشاورزی و نیز موقعیت تجاری این شهر از عوامل توسعه آن به شمار می‌رفت. این نوشتار درصدد است تا با بررسی این عوامل به این سؤال اصلی پاسخ دهد که اساساً علل رشد و گسترش شهری فسطاط در طول عصر والیان از ابتدای تاسیس تا سال ۳۵۸، یعنی پدید آمدن قاهره چه بوده است؟

لازم به ذکر است به دلیل اهمیت فسطاط در میان شهرهای نخستین دوره صدر اسلام پژوهش‌های متعددی در باره آن صورت گرفته است و در نگاه نخست می‌توان آثار

متعددی به عنوان پیشینه پیرامون آن فهرست نمود؛ برای مثال مقاله ای تحت عنوان «تحولات ساختاری شهر فسطاط در دوره سفیانیان» از فیروزآزادی (مطالعات تاریخ / اسلام، شماره ۱۵، سال ۱۳۹۱) که عمدتاً به بحث منافع مالی حاصل از موقعیت اقتصادی فسطاط برای سفیانیان و در محدوده همان دوره پرداخته است و یا مقاله ای با عنوان «فسطاط مکان خاطره‌ها» از سیلوی دونوا ترجمه ابوالحسن سرومقدم (مشکوٰه، شماره ۵۹، سال ۱۳۸۸) که به چگونگی فتح و شکل‌گیری فسطاط توسط عمرو بن عاص و وصف درونی شهر بدون توجه به عوامل مؤثر بر گسترش فضای شهری و در دوره محدوده فتح و بنای آن توسط مسلمین پرداخته است و یا مقاله دیگری با عنوان «جنبش شهرسازی در سده‌های نخستین اسلامی» از عباسعلی آذرنیوشه (تاریخ فرهنگ و تمدن / اسلامی، شماره ۱۱، سال ۱۳۹۲) که علی‌رغم تخصیص بخش‌هایی از این مقاله به شکل‌گیری شهر به صورت توصیفی اطلاعات زیادی از نحوه گسترش آن به دست نداده است. و «فتح مصر توسط مسلمانان» از محمد طالبیان (مشکوٰه، شماره ۵۴، سال ۱۳۷۶) بیشتر به فتح مصر پرداخته و اشاره ای گذرا و توصیفی به بنای شهر فسطاط توسط عمرو عاص داشته است. بنابراین مطالعه و تحقیق مستقلی درباره عوامل مؤثر بر گسترش شهری فسطاط در عصر والیان و دولت‌های مستقل و نیمه مستقل تا برآمدن فاطمیان در ادوار مختلف به عنوان پایتخت جهان اسلام در مصر قبل از تأسیس قاهره صورت نگرفته است. بنابراین این پژوهش با رویکردی تحلیلی در صدد است تا عوامل مؤثر بر گسترش این شهر را بررسی کند و به سوالات پژوهش پاسخ دهد.

۱. عامل انسانی: مهاجرت الف) قبایل عرب

یکی از عوامل مهم گسترش شهری فسطاط در عصر والیان ورود خیل جمعیت قبایل عرب مسلمان از سراسر جزیره العرب به این منطقه با هدف جهاد و ترویج اسلام و دستیابی به غنائم بود و علت اولیه آن فرمان جهاد از سوی ابوبکر خلیفه اول بود. بلاذری در این باره می‌گوید: «گویند چون ابوبکر رضی الله عنه از کار اهل رده آسوده شد، در صدد فرستادن سپاهیان به شام برآمد و نامه‌هایی به اهل مکه، طائف، یمن و جمیع اعراب نجد و حجاز نوشت و آنان را تکلیف سفر برای جهاد کرد و در این کار و در غنائم روم ایشان را ترغیب نمود. پس مردمان، از طمعکار و با اخلاص، سوی وی شتافتند و از

هر طرف به مدینه روی آوردند» (فتوح، ۱۱۵). با تکمیل شدن فتح شام در دوره خلیفه دوم، مسلمین در سال بیستم هجری برای فتح مصر به فرماندهی عمرو بن عاص روی به این سرزمین آوردند (حنبل، ۳۲/۲). عمرو بن عاص و سپاهیانش پس از فتح العریش، فرما، بلبیس، دژ باب الیون (ابن عبدالحکم، ۵۸؛ قدامه، ۸۸) و اسکندریه پایتخت مصر (یعقوبی، تاریخ، ۱۵۴/۲) قصد اقامت اسکندریه کردند. توصیه دائمی عمر به سپاهیان فاتح عرب اسکان در سرزمین‌های فتح شده بود. عمر اعتقاد داشت جزیره العرب به علت فقر منابع مالی و طبیعی کفاف زندگی جمعیت فزاینده عرب را نمی‌کند (ابن خلدون، ۳۹۹/۴). به همین علت عمرو و سپاهیان بعد از فتح اسکندریه با انتخاب منزلی در آنجا قصد اسکان در این شهر را کردند، اما با مخالفت عمر که مایل نبود میان او و سپاهیان آب فاصله بیندازد، مواجه شد. از این‌رو، عمرو بن عاص به سمت خیمه گاه قبلی خود در قلعه نظامی باب الیون که قبلاً او و سپاهیان در حوالی آنجا چادر زده بودند حرکت کرد و در فسطاط اقامت گزید. در فسطاط هریک از قبایل و افراد نام‌آشنای عرب قشای برای خود جهت اسکان برگزیدند. وجود چادرهایی برای قبایل قریش، انصار، بنی اسلم، غفار و خزاعه، جهیمیه مؤید این مطلب است (ابن عبدالحکم، ۱۲۹). عمرو بن عاص علاوه بر ساخت خانه برای خود، خانه‌هایی نیز برای آل زبیر و وردان برده آزاد کرده خود ساخت (بکری، ۶۰۳/۲؛ بلاذری، همان، ۳۰۵). مهاجرت قبایل عرب به مصر و اسکان آنها در مناطق مختلف تحت کنترل مسلمانان به ویژه شهر در حال توسعه فسطاط که از قرن اول آغاز شده بود تا دوره‌های بعد همچنان تداوم داشت، چنانکه در دوره خلافت امام علی (ع) بخش اعظم املاک شهر قفط وقف علویان شده بود و علویان زیادی در این شهر اقامت داشتند (یاقوت، ۳۸۳/۴). منطقه اشمونین هم محل اسکان چندین قبیله از نوادگان جعفر بن ابی طالب بود (مقریزی، ۶۶۵/۱). معاویه نیز در سال ۵۳ حدود ۱۳۰ خانوار از زدی‌ها را به مصر گسیل داد. علت انتقال آنها شورش علیه حاکم بصره بود و مسلمانه بن مخلد حاکم مصر آنها را در خطه الظاهر فسطاط جای داد (همو، ۲۹۸).

ب) اقوام عجم

در جریان فتح سرزمین مصر علاوه بر اهالی جزیره العرب گروه‌های دیگر نیز حضور داشتند. یکی از این گروه‌ها جمعیت گسترده‌ای از اهالی سرزمین تازه فتح شده شام بود که به همراه نیروهای عمرو بن عاص عازم فتح مصر شده بودند و نیروی مهم دیگر

سربازان باذان، عامل ایرانی کسری در یمن، بودند که بعد از فتح یمن اسلام آورده و سپاهیان اسلام را در جریان فتوح همراهی می‌کردند و خِطَط الفارسیین نام محل اسکان آنها در فسطاط بود (ابن دقماق، ۳). به اینها باید عده‌ای از قبایل ساکن در روم به نامهای بَنُوینتَه، بَنُو لَزْرَق و بنی روبیل و شماری از یهودیان مسلمان شده را نیز افزود. در فرایند ساخت شهر فسطاط محله‌های مخصوصی که برای سکونت آنها در نظر گرفته شده بود به خطط موالی سه گانه معروف بود (ابن عبدالحکم، ۱۲۹). علاوه بر فسطاط در دوره‌های بعد برخی از شهرهای مستحدث چون حلوان در نزدیک فسطاط پا گرفتند، زیرا زمانی که در سال هفتاد هجری در فسطاط بیماری طاعون شیوع پیدا کرد عبدالعزیز بن مروان والی مصر (۶۵-۸۵) از فسطاط به حلوان رفت و ساختمانهایی برای خود و سپاهیان در این شهر ساخت (ابن تغری بردی، ۱/۱۷۳).

در دوره والیان عباسی با ورود سپاه سیاه جامگان به فسطاط دوره دیگری از توسعه شهری اتفاق افتاد. صالح بن علی نخستین والی عباسی که از جانب سفاح در محرم سال ۱۳۲ به فرمانروایی مصر رسید، وسعت ارضی فسطاط را برای استقرار سپاهیان خود محدود دید، مکانی را در مجاورت فسطاط موسوم به حمرای قصوی، اردوگاه خویش ساخت و جانشین او به نام ابوعون فرمان داد تا دژ عسکر را برای استقرار سپاهیان بسازند و به این ترتیب رفته رفته ساختمانها و خانه‌های زیادی در این مکان ساخته شد (ابن تغری بردی، ۳۲۳).

در دوره تسلط دولت طولونی (۲۵۴-۲۹۲) ترک تبار محله دیگری با ساختمانهای مجلل و یک بیمارستان به شهر فسطاط اضافه شد که به منطقه قطایع معروف است. این منطقه به دستور احمد بن طولون والی عباسی مصر ساخته شد و محل استقرار بسیاری از همراهان ترک او شد (سیوطی، همان، ۲۷؛ انصاری دمشقی، ۱۳۵). در دوره اخشیدیان (۳۲۳-۳۵۸) هم بیمارستانی مجهز در بخشی از فضای شهری فسطاط توسط کافور اخشیدی برای ساماندهی به وضع درمان و سلامت جامعه ساخته شد (مقریزی، همان، ۴۴۷).

در نهایت می‌توان گفت که ازدیاد جمعیت و ورود سیلی از مهاجران قبایل عرب و قوای غیر عرب و نیز ترکان تا قرنهای بعد ادامه داشت که از علت‌های مهم توسعه شهری فسطاط به شمار می‌آمد، زیرا فاتحین هر بار که با اهداف مختلف از جمله ترویج اسلام در قرن نخست و یا ساقط کردن قدرت رقیب در منطقه در قرن دوم (دوره عباسیان) و یا به صورت دولت قدرتمند همچون طولونیان (۲۵۴-۲۹۲) پا به این

سرزمین می‌گذاشتند، تعداد کثیری از نیروهای نظامی را به همراه خود به این منطقه وارد می‌کردند و با توجه به لزوم استقرار و محدودیت فضای قبلی برای اسکان شمار کثیر سپاهیان هر بار مناطق جدیدی به منظور اقامت به فضای شهری می‌افزودند و بدین وسیله زمینه توسعه شهر را فراهم می‌کردند.

۲. عامل نظامی

در حقیقت هدف اولیه گسترش شهری در مصر بعد از فتح این سرزمین با اهداف نظامی صورت پذیرفته است. این مسئله نشأت گرفته از سیاست خلیفه دوم عمر بن خطاب بود. عمر اعتقاد داشت که اعراب باید با حفظ هویت نظامی و جهادی خود دارالکفر را فتح و قلمرو دارالاسلام را گسترش دهند و وارد کارهای عملی بویژه کشاورزی نشوند، چه این مسئله باعث دوری آنها از روحیه سپاهیگری می‌شد و ادامه فتوح با مشکل مواجه می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۰/۷). ظاهر فرمان او با روحیه نظامی‌گری و جنگاوری عرب سازش داشت. وی دیوان عطا و جند را برای ثبت نام غازیان مسلمان به منظور تقسیم غنائم میان آنها به وجود آورد. دستور ساخت شهرهای اسلامی با هویت نظامی برای اسکان سپاهیان نیز برای تحقق همین هدف و منظور قلمداد می‌شد. نمونه آن ساخت شهرهای کوفه و بصره بود. شهر فسطاط نیز که در ابتداء با همین هدف بنیان [یا گسترش] یافت، آمال نظامی مسلمانان فاتح و راهبران ایشان را تأمین می‌کرد (عبدالله السلومی، ۳۷۴). ساخت و توسعه شهر فسطاط با فرمان عمر مبنی بر ساخت شهرهای نظامی به عنوان مرکز فرماندهی یا کانون نشر اسلام در نواحی دور از مرکز خلافت اسلامی منطبق بود (همانجا).

۳. عامل سیاسی

کسب قدرت سیاسی از دیگر علت‌های رشد و گسترش فضای شهری در مصر محسوب می‌شد. عمرو بن عاص با فتح قسمت اعظمی از مصر تشکیل حاکمیت سیاسی جدید بر مبنای ایدئولوژی جدید را ضروری دانست. به نظر می‌رسد دلایل سیاسی توسعه فسطاط با هویت اسلامی و انتخاب آن به پایتختی و نیز عدم اقبال عمر به اقامت مسلمین در اسکندریه (مقریزی، همان، ۱۶۷) علیرغم شکوه و عظمت فراوان آن به همین منظور بود؛ زیرا اولاً اسکندریه شهری با هویت مسیحی بود و مسیحیان زیادی در آنجا زندگی می‌کردند. هدف عمر این بود که با تضعیف مسیحیت، شهری با هویت اسلامی و ساکنان

مسلمان تأسیس کند تا به این وسیله نشان دهد که مردم شهرهای مختلف مصر می‌بایست تابع قدرت سیاسی جدید بر مبنای ایدئولوژی اسلامی مستقل از مسیحیت باشند. بنا بر این فسطاط تجلی و نماد هویت و قدرت اسلامی مورد نظر عمر بود که عنصر غالب در آن با مسلمین و اعراب بود، هم چنین دستور عمر به تخریب شهر ممفیس پایتخت فراعنه مصر و استفاده از سنگهای آن برای ساخت فسطاط (ابوالفداء، ۱۵۷) تلاش دیگری از سوی وی برای حذف قدرت ایدئولوژی‌های رقیب بود. ثانیاً هویت مسیحی شهر اسکندریه که مرکز قدرت رومیان مسیحی بود احتمال شورش مردم این شهر را افزایش می‌داد و این اتفاق نیز افتاد و اهالی شهر به تحریک رومیان در سال بیست و پنج هجری قیام کردند که البته توسط مسلمانان سرکوب شدند (ابن عبدالحکم، ۱۹۲). از این رو عمرو بن عاص علاوه بر ساخت مسکن برای سپاهیان مسلمان و قبایل عرب با احداث دارالاماره برای خود و خاندانش که دارالکبیر نامیده می‌شد (همو، ۹۶) و نماد قدرت سیاسی بود، بخش وسیعی از فضای شهر را اشغال کرد و به فرمانروایی خود و قدرت متمرکز مرکزی مسلمین در مصر رسمیت بخشید. علاوه بر این دارالاماره‌های دیگری نیز برای والیان مصر در دوره‌های مختلف ساخته شد، به طوری که قیس بن سعد والی امام (ع) بعد از ورود به مصر دارالاماره ای برای خود ساخت که به دارالفضل معروف بود (همو، ۹۸). عبدالعزیز بن مروان والی اموی مصر به هنگام مهاجرت به شهر حلوان به علت شیوع طاعون در فسطاط برای خود در این شهر دارالاماره بزرگی ساخت (ابن تغری بردی، ۳۲۳). نیز در دوره ابوعون (۱۳۳-۱۳۶) والی عباسی به هنگام فتح این سرزمین توسط عباسیان درالاماره جدیدی در شهر عسکر در مجاورت فسطاط و قصرهای دیگری نیز در منطقه جدید قطایع در فسطاط توسط احمد بن طولون و فرزندش خماریه ساخته شد (سیوطی، همان، ۲۷).

نمونه دیگر که باز تلاشی بود برای تثبیت قدرت سیاسی و اجتماعی مسلمین در مصر، احداث گورستان مُقَطَّم توسط عمرو بن عاص برای مسلمین بود و این امر به رغم اصرار مُقَوِّس برای فروش این منطقه به او بود. مُقَوِّس اعتقاد داشت این منطقه محل باغهای بهشتی وصف شده در کتب مسیحیان است و به مسیحیان تعلق دارد. عمرو بعد از مشورت با عمر و با دستور او مبنی بر این که باغهای مسلمین به مؤمنان و مسلمانان تعلق دارد از فروش آن امتناع کرد و آن محل را گورستان مسلمین قرار داد که علاوه بر خود پنج تن از صحابه در آنجا مدفون هستند (ابن عبدالحکم، ۱۵۷).

۴. عامل اقتصادی

از دیگر دلایل رشد و گسترش شهر فسطاط موقعیت اقتصادی قابل توجه این شهر بود (حدودالعالم، ۴۵۰). با توجه به موقعیت جغرافیایی مصر که از شمال به دریای مدیترانه و از شرق به دریای سرخ و از غرب به افریقای محدود بود، این سرزمین در قلب شاهراههای تجارتی قرار داشت و راههای تجارتی این سرزمین از دو طریق دریایی و خشکی انجام می‌شد؛ راه دریایی از طریق رود نیل به دریای سرخ و از آنجا به عربستان انتقال پیدا می‌کرد و کالاهای تجارتی از طریق این راه به سرزمین‌های همجوار صادر می‌شد و راه خشکی نیز از طریق شمال عربستان پس از گذر از عراق و شامات از طریق بندر غزه وارد مصر می‌شد. در این میان شهر فسطاط که در قلب شاهراههای تجارتی واقع شده بود (ابن خردادبه، ۸۰-۸۵) شهر تجارتی مهم و بارانداز کالاهای غرب و شرق به شمار می‌رفت (یعقوبی، ۱۷۴/۲). از علت‌های مهم توجه عمرو بن عاص به مصر موقعیت تجارتی و اقتصادی و کشاورزی شکوهمند این منطقه بود. او که در دوره جاهلیت چندین سفر تجارتی به مصر انجام داده بود و شناخت کافی از موقعیت مهم اقتصادی این سرزمین داشت (ابن عبدالحکم، ۵۳) والی گری مصر را مساوی با تمام خلافت می‌دانست (مقریزی، همان، ۲۷۱). به همین علت بود که عمرو به رغم اکراه عمر و بدون توجه به دستور او مبنی بر توقف فتح مصر به راه خود ادامه داد. بعد از فتح مصر غنایم زیادی از محصولات مصر اعم از بارهای گندم، روغن، پارچه و لباسهای پشمی و سکه‌های طلا نصیب وی شد (بلاذری، همان، ۲۱۴) در فتح نوبه هم که از سرزمین‌های مجاور مصر به شمار می‌رفت سیصد برده به صورت غلام و کنیز نصیب او شد (ابن اعثم کوفی، ۲۷۰/۲). وی بعد از فتح اسکندریه برای عمر نامه نوشت و از وصف اغراق آمیز این شهر اعم از محصولات تولیدی و ساختمانهای مجلل و... سخن گفت و عمر از او خواست از راه دریا برای مدینه خواربار و غله بفرستد و عمرو نیز بیست کشتی خواربار و غله از طریق دریا به مدینه فرستاد (ابن عبدالحکم، ۸۲). عمرو عاص نمونه بارز والیانی بود که برای بهره برداری و استفاده بیشتر از موقعیت اقتصادی و تجارتی فسطاط تلاش زیادی انجام داد. احداث و توسعه بازارهای متعدد و پرونق که به مثابه مرکز اقتصادی فسطاط محسوب می‌شد گویای این مطلب است. او با احداث بازارهای مهم در بخش بزرگی از فضای شهر فسطاط به عنوان مرکز جدید مصر قلب تجارتی منطقه را در دست گرفت و در صدد سهیم شدن از سود اقتصادی حاصل از تجارت پرونق آن شد. بازار

وردان (یاقوت، ۲۶۲/۴) و بازار آرد فروشان نمونه بازارهای احداث شده در فسطاط توسط او بود (سیوطی، همان، ۷۹). عمرو بن عاص که از قدیم الایام یک فرد تاجر به شمار می‌رفت با ساخت بازار در فضای شهری فسطاط درصدد بود تا زمینه ورود تاجر را از نقاط مختلف به شهر فسطاط فراهم کند. هرچند درباره ساخت بازار در کنار مساجد دستور عمر بن خطاب نیز گزارش شده است (عبدالله السلومی، ۳۷۷)، زیرا بازرگانانی که از نقاط مختلف وارد شهر می‌شدند و در بازار به داد و ستد می‌پرداختند، می‌بایست مبلغی را به عنوان حقوق گمرکی (مکوس) به حکومت پرداخت می‌کردند و از این طریق سود سرشاری به خزانه والی مصر سرازیر می‌شد (اجتهادی، ۲۰۸). عمرو بن عاص برای تسهیل ورود تاجر که معمولاً از عربستان به مصر تردد می‌کردند، کانال امیرالمؤمنین را در حاشیه شهر فسطاط حفر کرد تا قایقها و کشتی‌های تجارتي از این طریق وارد دریای سرخ شوند. احداث این کانال علاوه بر این که موجبات شکوفایی اقتصادی مصر را فراهم کرد در انتقال کالاهای تجارتي بین مصر و عربستان هم مؤثر بود و سود سرشاری را نصیب تاجر این مسیر می‌کرد (ابن عبدالحکم، ۱۶۲-۱۶۴). علاوه بر عمر و برخی دیگر از والیان هم برای کسب سود بازرگانی، بازارهای پر رونقی احداث کردند، بازارهایی که توسط ابوعون والی عباسی مصر (۱۳۳-۱۳۶) در عسکر شهری در مجاورت فسطاط احداث شد (سیوطی، همان، ۲۷) و نیز بازارهایی که در شهر-محلّه تازه قطایع در فسطاط توسط طولونیان ساخته شد. طولونیان (۲۵۴-۲۹۲) که از اقتصاد تجارتي مصر بهره‌های زیادی می‌بردند علاوه بر احداث بازار، انبارهایی نیز برای ذخیره محصولات تولیدی و صنعتی ایجاد کرده بودند (ابن تغری بردی، همان، ۳۲۳) تا در گردش تجاری به کار بیندازند. برای رونق کشاورزی هم عمرو عاص به عنوان نمونه بارز والیان مصر تلاشهای زیادی در این زمینه انجام داد. او با اهمیت دادن به آبیاری زمین‌های کشاورزی برای پر بازده بودن محصولات، به طور مرتب امر به لایروبی نهرها می‌داد (ابن عبدالحکم، ۱۶۱). از آنجا که طولونیان نیز به امر زراعت و باغداری اهمیت می‌دادند، کانالهای زیادی برای افزایش محصولات کشاورزی احداث کردند (سیوطی، همان، ۲۹). بنابراین والیان در برابر اقداماتی که در زمینه رونق بازرگانی و تجارت انجام می‌دادند مالیاتهای زیادی نیز به شرح ذیل از توده مردم دریافت می‌کردند: ۱. جزیه که از اهل کتاب و غیرمسلمانان گرفته می‌شد، ۲. خراج که از صاحبان اراضی دریافت می‌شد، ۳. مالیات برای تأمین آذوقه و لباس لشگریانی که در یک منطقه برای مدتی اتراق

می‌کردند، ۴. مالیات مکس که از تجار غیر مسلمان و نیز از صاحبان کشتی‌ها و معادن و منابع طبیعی مثل بیشه‌زارها و آب‌ها و... دریافت می‌شد. علاوه بر این مالیات‌ها مردم مصر موظف بودند مدتی را در طی سال برای والیان بیگاری کنند (اجتهادی، همانجا).

۵. عامل دینی

اساساً یکی از عوامل مهم گسترش شهری در مصر نقش مهم ایدئولوژیکی دین اسلام بود که تجلی این نقش با ساخت مساجد متعدد در جامعه شهری پدیدار شد. ساخت مساجد و نیز از همه مهم‌تر مساجد جامع اهمیت مهمی در سرزمین مصر برای والیان داشت. ساخت مساجد در فضای شهری مصر توسط والیان علاوه بر اقامه نماز اهداف دیگری را نیز برای آنها تأمین می‌کرد؛ یکی از این اهداف کسب مشروعیت سیاسی بود زیرا از آنجا که مذهب پیوند عمیقی با قدرت داشت والی در درجه اول برای رسیدن به مشروعیت سیاسی لازم بود از کانال دین عبور کند. او در درجه اول می‌بایست ریاست معنوی و امامت جمعه را به دست می‌آورد تا راهش برای رسیدن به ریاست سیاسی هموار شود. به همین دلیل عمرو عاص برای دستیابی مشروعیت سیاسی خود بعد از استقرار در فسطاط اولین مکانی که قبل از دارالاماره پدید آورد مسجد جامع بود (نک: ابن عبدالحکم، ۹۹). کسب مشروعیت دینی قبل از مشروعیت سیاسی آنقدر برای برخی از والیان اهمیت داشت که وقتی عبدالله بن سرح از طرف عثمان به ولایت مصر رسید (۲۵-۳۱) قبل از عبدالله بن عمرو به مسجد رفت و نماز را اقامه کرد تا به نحوی مشروعیت سیاسی خود را اعلام کند (همان، ۱۷۴). مسلمه بن مخلد هم وقتی که در سال ۴۷ از طرف معاویه به ولایت مصر رسید اولین کاری که کرد تجدید بنای مسجد جامع عمرو و ساخت مناره در مساجد بود (ابن تغری بردی، ۱۱۶) و عبدالعزیز بن مروان (۶۵-۸۵) هم که از والیان خوشنام اموی بود به هنگام نقل مکان به شهر حلوان مساجد با عظمتی در این شهر ساخت (همو، ۱۷۳) در دوره والیان عباسی مساجد متعددی ساخته شد. یکی از این والیان ابوعون (۱۳۳-۱۳۶) بود که مسجد جامع عسکر را در مجاورت فسطاط ساخت (همو، ۳۲۳) و نیز عبدالله بن طاهر والی مصر (۲۱۱-۲۱۳) از سوی مأمون عباسی در سال ۲۱۲ مسجد جامع عمرو را گسترش داد (کندی، ۱۶۵) و مهم‌تر از همه مساجدی بود که در دوره طولونیان ساخته شد. احمد بن طولون مسجد جامع با شکوهی در قسمت بالای شهر فسطاط ساخت که زبانزد عامه بود (ابن تغری

بردی، ۲۱۱-۲۱۳؛ ابن حوقل، ۱۴۶/۱؛ اصطخری، ۴۹) و علاوه بر آن مسجد جامع دیگری در بالای کوه مُقَطَّم توسط او ساخته شد (یاقوت، ۲۱۴/۵).

۶. عامل جغرافیایی

با توجه به این که مصر از شمال به دریای مدیترانه و از مشرق به دریای سرخ و خلیج عقبه و از غرب به آفریقه و از جنوب به حبشه محدود بود، اهمیت استراتژیک داشت، زیرا از طرف مرزهای غربی دروازهٔ شام و حجاز بود و از این طریق آفریقا را به آسیا متصل می‌کرد و در طول سده‌های طولانی تبادل فرهنگ و تمدن بین آسیا و آفریقا از مصر صورت می‌گرفت. از طرف شمال هم مدخل ورود رومیان به سواحل آفریقا در دریای مدیترانه به حساب می‌آمد و احداث شهر اسکندریه در این قسمت توسط اسکندر مقدونی (مسکویه، ۱۰۳/۱) که در دورهٔ رومیان تبدیل به مرکز نیروی دریایی شده بود موقعیت سوق الجیشی آن را چند برابر کرده بود (قبادیانی، ۷۱). وجود رود نیل نیز که از سرزمین حبشه سرچشمه می‌گرفت و از جنوب به شمال این کشور جریان داشت موقعیت سوق الجیشی دیگری را در محیط جغرافیایی این منطقه فراهم کرده بود و در طول قرن‌ها کشتی‌ها از طریق این رود با اهداف نظامی و تجارتی بین دریای سرخ و دریای مدیترانه تردد می‌کردند. به هنگام تسلط رومیان مسیر دریایی رود نیل از طریق دریای سرخ به تنگهٔ باب المندب و از آنجا تا اقیانوس هند تداوم داشت (لوبون، ۵۴). علاوه بر این دلتای حاصلخیز آن در طول تاریخ باعث شکل‌گیری شهرهای بسیاری در مسیر این رود شده بود و در همهٔ این شهرها از برکت رود نیل کشاورزی پر رونقی جریان داشت (مقدسی، ۱۹۳-۴) بطوریکه در آیهٔ ۵۵ سورهٔ یوسف از مصر تعبیر به انبار زمین شده است. در دورهٔ رومیان نیز این تعبیر دربارهٔ مصر به کار گرفته می‌شد (لوبون، همانجا). ظاهراً عمرو بن عاص با اطلاع قبلی از موقعیت سوق الجیشی مصر شهر فسطاط را در موقعیتی بنا کرد که علاوه بر داشتن ارتباط نظامی و سیاسی و اقتصادی با مدینه و دمشق از طرف غرب به رود نیل نیز متصل باشد تا از مزایای آب این رود برای آبیاری زمین‌های زراعی آن بهره‌مند گردد (مقدسی، ۲۰۰، ۲۰۹) و از طرف شرق هم با کوه مُقَطَّم ارتباط برقرار کند که گورستان مسلمین در آنجا بنا شده بود (ابن عبدالحکم، ۱۵۷) و نیز از طرف شمال ورود نیروهای کمکی تسهیل گردد، چه نیروهای نظامی به صورت مکرر و با ماهیت جهادی برای تداوم فتوح از مدینه عازم مصر می‌شدند (ابن اعثم

کوفی، ۲۷۰/۲). مناطق دیگری مانند عسکر و قطایع که در دوره والیان عباسی و طولونی در مجاورت فسطاط ایجاد شدند نشانگر موقعیت جغرافیایی سوق الجیشی محل بنای این شهر بود (ابن تغری بردی، ۳۲۳؛ سیوطی، همان، ۲۷).

نتیجه

صرف نظر از اینکه آیا فسطاط شهری است از اساس اسلامی که توسط عمرو بن عاص بنا شده یا اینکه پس از فتح و انتخاب آن به عنوان مرکز امارت از سوی او و والیان و حکومتگران دیگر به مرور زمان و اقتضای شرایط توسعه یافته (که در این مقاله علی العجالة، بر نظر اول تکیه شده)، فقط به عوامل توسعه و گسترش فسطاط اجمالاً تا پیش از تأسیس قاهره پرداخته شده است. در این مقاله معلوم شده است که حداقل پنج عامل در رشد و توسعه فسطاط نقش داشته است: عوامل انسانی (مهاجرت قبایل عرب و غیر عرب)، سیاسی، نظامی، اقتصادی، دینی و جغرافیایی. به نظر می‌رسد که دو عامل انسانی و اقتصادی در کنار سایر عوامل، نقش مؤثرتری ایفا کرده است.

منابع

- ابن ابی الحدید، (۱۳۷۹)، *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمودمهدوی دامغانی، تهران، نشرنی.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمداحمد، (۱۴۱۱) *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
- ابن عماد حنبلی، (۱۴۰۶)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن تغری بردی، (بی تا) جمال الدین ابی المحاسن یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، مصر، وزارت الثقافة و الارشاد.
- ابن دقماق، ابراهیم بن محمد بن ایدم العلابی، (بی تا) *الانتصار لواسطه عقد الامصار*، بیروت، دارالافاق جدیده.
- ابن زولاق، حسن بن ابراهیم، (بی تا)، *فضایل مصر و اخبارها*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، (۱۸۸۹) *المسالك و الممالک*، بیروت، دارصار.
- ابن حوقل، (۱۹۳۸) ابوالقاسم محمد، (۱۹۳۸)، *صوره الارض*، بیروت، دارصار.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۹۱)، *العبر و دیوان المبتداء و الخبر*، بیروت، دارالعلمی.
- ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد بن اسحاق، (۱۴۱۶)، *البلدان*، بیروت، عالم الکتاب.
- ابن عبدالحکم، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله (۱۹۲۰)، *فتوح المصر و اخبارها*، لیدن.

- ابن کثیر، ابوالوفا حافظ، (۱۴۰۹)، *البدايه و النهايه*، بيروت، دارالکتب العلميه.
- ابوالفداء، (۱۳۹۲) *تقويم البلدان*، ترجمه عبدالعلی بیرجندی، تهران، سفیراردهال.
- اجتهادی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳) *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین*، تهران، سروش.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (۲۰۰۴)، *المسالك و الممالک*، بيروت، دارصار.
- انصاری دمشقی، (۱۳۸۲) *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، تهران، انتشارات اساطیر.
- بکری، ابوعبید، (۱۹۹۲) *المسالك و الممالک*، بی جا، دارالغرب الاسلامی.
- بلاذری، احمد بن محمد بن یحیی، (۱۴۰۴) *فتوح البلدان*، بيروت، دارالکتب العلميه.
- تکیه‌ای، مهدی، (۱۳۷۵)، *مصر*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب*، (۱۳۷۲)، تصحیح و حواشی، مریم میراحمدی، غلامرضا وهرام، تهران، دانشگاه الزهراء.
- عبدالله السلومی، عبدالعزیز، (۱۴۰۵) *دیوان الجند نشأت و تطوره فی الدوله الاسلامیه حتی عصر المأمون*، المملکه العربیه السعودیه، جامعه أم القرى کلیه الشریعه و الدراسات الاسلامیه قسم الدراسات العلیا الحضاره.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۲۹۹)، *حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره*، مصر، مطبعه اداره الوطن.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، (۱۳۸۱)، *سفرنامه*، تهران، انتشارات زوار.
- قدامه بن جعفر، (۱۳۷۰) *کتاب الخراج*، ترجمه و تحقیق حسین قرچانلو، تهران، نشر البرز.
- کندی، محمد بن یوسف، (۱۹۵۸) *تاریخ و لاه و قضات*، بيروت، مؤسسه الکتب الثقافیه.
- لوبون، گوستاو، (۱۳۸۷)، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۵۸)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بيروت، دارالاندلس، الطبعة الاولى.
- مسکویه الرازی، ابوعلی، (۱۳۷۹) *تجارب الامم*، تهران، سروش.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۴۱۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، قاهره، مکتبه المدبولی.
- مقریزی، تقی الدین ابی العباس احمد بن علی، (بی تا) *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه.
- یاقوت حموی، ابوعبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بيروت، دارصار.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن الواضح، (۱۴۲۲)، *البلدان*، بيروت، دارالکتب العلميه.
- _____ (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بيروت، دارصار.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی